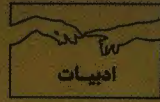




سیری در اندیشه پروین اعتصامی

اختر چرخ ادب و گوهر بحر هنر

استاد سید محمد برهانی



Parvin Etesami

Akhtare Charkhe Adab va Gohare Bahre Honar

ISBN: 978-600-135-048-1



9 786001 350481



چاپ و نشرات آرمین



پروین اعتصامی

اختر چرخ ادب

و

گوهر بحر هنر

تقدیم به مادران فرهیخته
و بانوان فرزانه و آزادیخواه
که در راه ادبیات حق و حقیقت
ساعی هستند.

ناشر - مولف

شعر پروین ترفیق از خرد و عهد کهن همراه با نوعی دلسوزی و
واکنش در مقابل مسایل دور و بر خود است که در جای خود یادآور
آثار نویسندگان قدیم می باشد و اغلب پوشش از رمانتیسزم در خود
دارد که تاثیر ادبیات غرب نیز در آن به چشم می خورد.

دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی



پروین اعتصامی

اختر چرخ ادب و گوهر بحر هنر

استاد سید محمد برہانی



انتشارات آفرینش
۱۳۹۳

سرشناسه	: استاد سید محمد برهانی
عنوان و نام پدیدآور	: اختر چرخ ادب و گوهر بحر هنر
مشخصات نشر	: تهران: آفرینش، ۱۳۹۲
مشخصات ظاهری	: ۴۴۸ ص؛ ۱۴×۲۱ س.م.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۱۳۵-۰۴۸-۱
وضعیت فهرست نویسی	: فیا ۲-۰۴۱
موضوع	: داستان های فارسی- قرن ۱۴
رده بندی کنگره	: ۱۳۸۸ ج ۹ / ۴۴۳۵ و / ۸۲۶۲ pirt
رده بندی دیویی	: ۸۳۳/۶۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۲۱۵۹۴۰



انتشارات آفرینش پروانه شماره ۵۰۵

اختر چرخ ادب و گوهر بحر هنر

استاد سید محمد برهانی

مدیر فنی و ناظر چاپ: فرزاد فتحی

طرح جلد: یسنا - سعیده امامی، حروفچینی و صفحه آرایی: سارا قدوی

لیتوگرافی: آفرینش / چاپ: جبباری / صحافی: جوان

چاپ نخست: ۱۳۹۳ / شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

۹۷۸-۶-۱۳۵-۰۴۸-۱ - ۹۷۸-۶۰۰-۱۳۵-۰۴۸-۱

حق چاپ محفوظ و مخصوص ناشر است.

فروش الکترونیکی کتاب های انتشارات آفرینش در سایت www.iketab.com

پست الکترونیکی: afarinesh_publication@yahoo.com

میدان امام حسین، خیابان ۱۷ شهریور، پایین تر از چهارراه صفا، پلاک ۱۷۳۴

تلفن: ۷۷۵۳۸۵۳۱-۲ و ۷۷۵۳۸۵۳۲ تا ۷۷۶۵۰۲۳۲ - ۷۷۶۵۰۳۷۰

قیمت: ۱۶۵۰۰ تومان

فهرست

۷	 سخن ناشر
۹	 مقدمه
۲۷	 سیری در اندیشه پروین
۶۳	 لطف حق
۸۵	 تأثیر قرآن در اشعار پروین
۱۲۳	 پروین شاعره اعصار
۱۶۳	 پروین و مکتب رمانتیسم
۲۳۱	 تأثیر رمانتیک در ادبیات معاصر ایران
۲۶۳	 اختر چرخ ادب
۳۱۱	 پیام پروین در قصائد
۳۹۵	 اشک یتیم
۴۱۷	 حاصل عمر
۴۳۹	 خلاصه سخن

به نام خدا

«سخن ناشر»

بر هیچکس پوشیده نیست که عزّت ادبیات ایران زمین به وجود افتخار آفرینان «بر خود می‌باشد، بدون تردید پروین اعتصامی از منزلت بلند مرتبه‌ای در ادبیات و صاحب منصب پیام مردمی برخوردار است. این بانوی فرزانه به راستی شگفتی‌های خاص خود را در عرصه‌ی ادبیات ایران و بلکه جهان نشان داده است. این بانوی فرهیخته با توجه به اخلاق حسنه‌ای که دارا بود از اسرار ملکوتی و تهذیب نفس برخوردار می‌باشد. چه زیبا خود می‌سراید.

هر که با پاک‌دلان صبح و مسایی دارد

دلش از پرتو اسرار صفایی دارد

اشعار پروین بیانگر هویت دردمندان و پایمال شدن حقوق ضعیفان است از زوایای عاطفی به سبکی نو و ارزنده دردها را بازگو می‌کند، بدون تردید پروین یک شاعر اجتماعی و مردمی است؛ این بانوی فرهیخته در قلوب مردم جای گرفته و از اشعار او پیوسته استفاده می‌کنند. این شاعره توانمند را می‌بایست در دایره گسترده مردم گرایی و معترض به انحرافات اجتماعی با خلاقیت ذهنی محسوب نمود، نوع اعتراض و پیام او بسیار هنرمندانه و ژرف اندیش است، او در دوره‌ای

زندگی می کرد که عده بسیاری در فقر و تنگدستی و زیر بار ظلم و ستم غارتگر بودند، پروین می گوید و می سُراید، از دردها سخن می گوید و از مظالم اجتماعی، از عاطفه و احساس و از ارزشهای مردمی در هر بیت اشعار این بانوی فرهیخته روحی بزرگ از زوایای انسانی نهفته است، در تمامی ابیات دیوان او ریزه کاریها و ظرافت های خاص خود نهفته که از اندیشه و هنر و چشمان تیز بین و ژرف این بانوی دردمند ترسیم آن بر می آید، شعر پروین آئینه تمام نمای انسانیت های نادیده می باشد، انتشارات آفرینش این افتخار را دارد که اقدام به چاپ این اثر که سیمای شاعری توانمند چون پروین را از نگاهی متوسط استادی که سالهای عمر خود را در معرفی ژرف اندیشان ادب فارسی گذرانده می سازد، باشد که تمامی علاقمندان به ادب فارسی از این کتاب بهره لازم را برده و با این بانوی فرزانه که نام و یاد او موجب افتخار هر ایرانی است بیشر مأنوس گردند.

« انتشارات آفرینش »

محمد فتحی «

بسمه تعالی

مقدمه

پروین اعتصامی شاعره توانمند و فرزانه‌ای فرهیخته در ادبیات ایران و بلکه جهان ادب است. پس از انتشار دیوان او بزرگانمان مانند علی اکبر دهخدا علامه محمد قزوینی استاد سعید نفیسی و دکتر لطفعلی صورتگر شعر او را نقد و بر اشعار این بانوی گرامی آفرینها گفتند و صمیمانه او را تحسین می کردند. ملک الشعراء بهار در وصف او نوشت و از این شاعره جوان در کنار بزرگان شعر پارسی نام برد. بنابراین این بانوی گرامی و ارزشمند هم در شعر و هم در هنر مناظره ادبی جایگاه بسیار ارزنده‌ای دارد خاصه اینکه در سراسر اشعارش بر یک پیام تکیه می کند و آن اینکه این جهان هستی هدفمند بوده و مالک و صاحب اختیاری دارد.

(بقره- ۲۵۴)

لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ....

پروین ظلم ستیز می باشد و مسایل اجتماعی و فرهنگی را در یک بستری زیبا از امور اخلاقی مطرح می سازد، پیام شعری او آمیخته با مهر و عاطفه نیز می باشد و گوهرهای صفا و محبت در اشعار او

متجلی است. از تعالیم اخلاقی و موازین اخلاق حسنه می گوید و روح بلند این بانوی فرهیخته ارتباط مستقیم و تنگاتنگ با پاکدلان دارد

هر که با پاکدلان صبح و مسایی دارد

دلش از پرتو اسرار صفایی دارد

این بانوی فرهیخته دارای همتی بلند و اُسوهٔ عمل و کوشش است و صداقت و شیرینی اشعار او زبانزد عام و خاص می باشد و علاقمندان فراوانی دارد، این بانوی گرامی و شاعرهٔ نامی به امر پاکدامنی و تقوا اهمیت بسیاری می دهد و زهد را در اعمال می نگرد نه در لباس و ظواهر.

زهد با نیت پاک است نه با جامهٔ پاک

ای بس آلوده که پاکیزه ردایی دارد

پاکی کلام پروین از یک طرف و زیبایی و طراوت روح حاکم در اشعار و پیامش از سوی دیگر باعث آن گردیده که خوانندگان بسیاری از دیوان او بهره برده و مهر و محبت او را در قلب و روان خود جای داده اند. هر خواننده ای با خواندن شعر پروین مجذوب زیبایی گفتار و سروده های او می شود. ساده و روان مسایل اخلاقی و اجتماعی و ادبی را می سُراید، اگر چه در جهان بیکران ادبیات بخصوص ادب فارسی ستارگان و بزرگانی وجود داشته و دارند نظامی - عطار - مولوی - سعدی - حافظ - جامی و غیره لکن در میان بانوان پروین به عقیدهٔ بسیاری از صاحب نظران اگر در رأس نباشد به سختی می توان همتای او را پیدا نمود. یکی از مزایای اشعار این بانوی ارزنده اینست که سخن از فطرت و درون انسان می گوید و چون شعر از قلب و روح و الهام الهی بر می خیزد بنحوی حرف دل و جان آدمی است و مطابق فطرت ملکوتی می باشد. این بانوی گرامی آدمی را بسوی عدالت دعوت می کند و برای این جهان هستی هدف روشن و شفافی را بر می شمارد او ندای آگاهی و بیداری را می دهد و خوانندهٔ خود را مورد

خطاب قرار می‌دهد تا از خواب غفلت بیدار شده و تن به سازش و ظلم پذیری ندهد. پروین قدرت و حاکمیت حق را از آن خالق یکتا و پروردگار جهان می‌داند.

وَلِلّٰهِ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَمَا فِي الْاَرْضِ يَخْفٰى لِمَنْ يَّشَآءُ وَيُعْذِبُ مَنْ يَّشَآءُ...

(الاحقاف - ۱۲۹)

این شاعر فرزانه پیام خود را پیامبر گونه به گوش جهانیان می‌رساند و اگر چه در زندگی خود هرگز بر این ادعا نبوده که با موازین فرهنگ اسلامی آشنایی بسیاری داشته لکن اشعار او بر اثر الهامات الهی که ناشی از تهذیب نفس و تقوای او بود، همگی با پیامهای قرآنی قرین است و گویا این بانوی فرهیخته در اندیشه‌ی خود با مباحث توحیدی و اخلاقی اسلامی بسیار مأنوس بوده است.

پروین شاعره‌ای اندیشمند و روشن ضمیر است و اشعار او دارای مضامین متعدد و گسترده می‌باشد. سخن از بیداری و ظلم ستیزی می‌گوید و انسان را فرا می‌خواند که احساس مسئولیت نموده و در برابر ظلم بی تفاوت نباشد. بی‌عدالتی و ظلم را رسوا می‌سازد و به موازین تعالیم اخلاقی دعوت می‌کند.

اینکه پروین خود دردمند بود شکی نیست و اینکه روزگار به او وفا نکرد و در دل جوانی رخت از این دنیای فعلی بر بست و رفت شکی نیست لکن سخن و پیام او زنده و جاودان و خود وفادار عاشقان، شعر او در واقع هویت دردمندی و شکوه است او با نویی اجتماعی فرهنگی با اندیشه‌ی نوگرا و پویا بود. درواقع او شاعری مردمی بود و معترض به ظلم حاکم. او عاشقانه به حق و حقیقت و راستی و پاکدلی عشق می‌ورزید و این عشق را در یک رابطه‌ی طولی با عشق الهی می‌دانست، چنانچه مولانا جلال الدین می‌گوید:

عشق آن زنده گزین کوباقی است
 کن شراب جافنزایت ساقی است
 عشق آن بگزین که جمله انبیاء
 یافتند از عشق او کار و کیا

(مثنوی دفتر اول)

آن زمانی که پروین در قید حیات بود جامعه‌ی هم زمان او در اوج ابعاد طبقاتی وجود داشت و بسیاری از افراد در حالت فقر و تنگ دستی و به نوعی مرگ تدریجی زندگی می‌کردند و در مقابل افرادی که از عاطفه و نوع دوستی به دور بودند در اوج ثروت و خوشی و رفاه زندگی می‌کردند پروین دردمندی آگاه بود، رنج و سختی‌های طبقات محروم را حس می‌کرد و خود زجر می‌کشید و بی تفاوتی ثروتمندان را می‌دید و تأسف می‌خورد، او از ناملایمات و پریشانی‌های جامعه شکوه داشت و با ظرافت و دقت نظری همراه با خلاقیت ذهنی برای پیدا کردن راه چاره به جامعه می‌نگریست. در اشعار پروین روحی عاطفی و پیامی سترگ نهفته است، او خود پیام دردمندی را همراه باعشق به مردم می‌سراید و با دقت خاصی همراه با خلاقیت ذهنی و قدرت اندیشه با الفاظی بسیار روان و به دور از هر گونه پیچیدگی‌ها خواننده خود را مورد خطاب قرار داده و او را در فضای همان پیام می‌گذارد. این بانوی فرزانه در میان مناظرات و حکایات و نکات دقیق اشعار خود نهایت هنرمندی خود را نشان داده و هشیار و مست، عالم و جاهل، خرد و کلان همه و همه خانه‌ی عشق خود را می‌بینند.

همه کس طالب یارند چه هشیار چه مست

همه جا خانه‌ی عشق است چه مسجد چه کینشت

(حافظ)

در اشعار پروین میان الفاظ و قالب شعری با فضایی که در اندیشه دارد و درون و ماهیت پیام او را شکل می‌بخشد نوعی هماهنگی وجود دارد که این مسئله خلاقیت ذهنی او را نشان می‌دهد. اگر از زبان انسان و یا حیوانات و حتی حیوانات و اشیاء می‌گوید، از احساس و عاطفه و دردهای زندگی و حیات می‌گوید و روحیه‌ی ظلم ستیزی و عدالت خواهی خود را نشان می‌دهد. از زبان پیر و جوان و مرد و زن فریاد حق طلبی را سر می‌دهد.

روز شکار پیر زنی با قباد گفت

کز آتش فساد تو جز دود و آه نیست

روزی بیا به کلبه‌ی ما از ره شکار

تحقیق حال گوشه نشینان گناه نیست

(دیوان پروین)

از فقیر و درویش می‌گوید و از تعلقات کاذب دنیوی که عده‌ای را در کام خود کشانده و در مقابل افرادی که حتی لقمه‌ای نان برای امرار معاش ندارند، در مناظرات خود آنچنان با قدرت می‌سراید که گویا تمامی اشیاء هر کدام بنحوی دارای حیات و روحیه‌ای جان دار هستند که می‌خواهند اسرار درون خود را فاش سازند، پروین از دلدادگی‌های راستین و عاشقانه در راه دوست و دلبر می‌گوید و از آئین پاک کبوتر که به دور از هر گونه دغل و ریا کاری می‌باشد.

ای خوشا مستانه سر در پای دلبر داشتن

دل تله‌ی از خوب و زشت چرخ احضار داشتن

نزد شاهین محبت بی‌پروبال آمدن

پیش باز عشق آئین کبوتر داشتن

(دیوان پروین)

قدرت پیام رسانی او از اندیشه و باورهای او بروز می کند و دارای محتوای عمیق و اخلاقی است. از زبان آن پیر زن به حاکم می گوید از حال فقرا و گوشه نشینان جويا باش و احوال بیچارگان را دریاب که این عمل گناه و عادی نمی باشد، برای یک وظیفه ی انسانی و طبیعی باید چه مسیری را پیمود، پروین یک انسان آزاده و عدالتخواه است، او خود وابستگی به مال و ثروت و قدرت و مقام نداشت و چه بسا بر موقعیت های دنیوی پشت نموده و در راه هدف مردمی همگام برداشته است. در اشعار خود بارها و بارها ظالم و ستمکار و دزد و راهزن و غیره را محکوم می کند و از مظلوم دفاع و راندمان حق را باز می گوید، توانمندی او در توصیف وقایع بسیار چشمگیر است و از اندیشه و عقل ستایش می کند در برابر جهل و نادانی و بی خردی که موجب غفلت و تسلیم پذیری است، از افرادی که راه خطا را طی می کنند انتقاد می کند.

همی با عقل در پول و چرایی

همی پوینده در راه خطایی

همی کار تو کار ناست دوست

همی کردار بد را می ستایی

پروین ارزشهای انسان را در این میدانده که آنچه را دارد در راه احیای حق و حقیقت به کمال داده و از چیزی دریغ نکند و این زبان حال عارفان و پیام رهروان عرفان عملی و نظری است، چنانچه عطار نیشابوری به آن سرباز مغول که او را دستگیر کرده بود و به خریدارانی که حاضر بودند صدها و بلکه هزاران درهم بدهند و عطار گفت مرا نفروش زیرا بیش از این ارزش دارم و سرانجام پیرزنی با کیسه ای نان آمد و خریدار عطار گردید و آن شاعر عارف گفت مرا بفروش که همان موجب خشم سرباز و در نهایت شهادت عطار گردید سخن براینست که تمامی سرمایه ی پیرزن همان بود و با تمام وجود و سرمایه

آمده بود در حالیکه آن افرادی که درهم و دینار می دادند همه‌ی ثروت نبود در اشعار پروین این نکته کاملاً محسوس است که باید عاشقانه و عارفانه در راه عدل و انصاف گام برداشت و از چیزی دریغ نکرد، باید بر دیو نفس و هوای نفسانی غلبه کرد. این بانوی گرامی شاعره ایست حقیقت جو و دارای درک و فهم چشمگیر از فضای حاکم در زندگی و حیات خود، او به راستی خود یک مصلح اجتماعی است و از همان دوران جوانی و بلکه کودکی استعداد خود را نشان داد و فهم و اندیشه‌ی خویش را به منصفی ظهور گذاشت، دارای رحمت و مهر و محبت مادری به یتیمان از یکطرف و عاطفه و محبت نسبت به مردم از سوی دیگر ایمان و اعتقاد او را نشان می‌دهد و گویا از پیامبر اسلام دستورات شرعی را اخذ نموده است.

(انبیاء - ۱۰۷)

و ما ارسلناک الا رحمه للعالمین

او به ارزشهای انسانی تکیه می‌کند و انسان را محور پیام خود قرار می‌دهد. انسانگرایی او بیانگر اعتقادات او در مورد ارزشهای این اشرف مخلوقات است، او مردم زمانه‌ی خویش را فرا می‌خواند برای همدردی و همدلی در جهت رشد و کمال و سخن از دل می‌گوید و تحقیق حقیقت و پایبندی به آن.

ای خوشا سودای دل از دیده پنهان داشتن

مبحث تحقیق را در دفتر جان داشتن

بنده فرمان خود کردن همه آفاق را

دیو بستن، قدرت دست سلیمان داشتن

در پی ساختن یک جامعه‌ای آرمان ساز و مدینه‌ی فاضله به دور از هرگونه آلودگی و به دور از هرگونه زشتی‌ها، پیام‌های او در اشعارش حاکی از موازین پند و اندرز و امور اخلاقی است. نکته‌های اساسی در اشعارش آشکار است و از کوچکترین عوامل و پدیده‌ها که در اطراف خود و محیط حاکم بر جامعه‌ی خویش می‌بیند مضامین و

پیامهای سرنوشت ساز را در می یابد و در قالب مناظره که در حقیقت ابتکار عمل اوست مطرح می سازد، او را می توان یک مربی و مرشد و معلم راستین در جهت احیای حق مظلومان دانست، در میان زنان و بانوان شاعر ایران زمین به راستی باید او را سرآمد و بزرگترین شاعره دانست، او خود علاقمند به علم و دانش و آگاهی در بستر تهذیب نفس و پاکدامنی بوده است، او بر این عقیده است که علم و آگاهی تیرگیها را می زداید و نور الهی را متجلی می سازد.

ای خوشا خاطره ز نور علم مشحون داشتن

تیرگیها را ازین اقلیم بیرون داشتن

همچو موسی بودن از نور تجلی تابناک

گفتگوها با خدا در کوه و هامون داشتن

پاک کردن خویش را ز آلودگیهای زمین

خانه چون خورشید در اقطار گردون داشتن

یکی از نکات قابل تأمل و توجه در اشعار پروین اینست که در اشعارش تمثیل های غنی و زیبایی بکار می برد و تصویری از اشیاء و سایر پدیده ها ایجاد می کند که آدمی خود را در آن فضا احساس کرده و با پدیده ها سخن می گوید خواه اینکه از زبان انسان باشد و یا حیوان و یا گیاهان و سایر موجودات و اشیاء بهر حال پروین گوی زیبایی فضا سازی را بخصوص در اشعار مناظرات خود از دیگران ربوده است.

این بانوی گرامی خود تسلی بخش دل افراد یست که در زندگی خویش دچار ظلم و ستم زمانه گردیده و الهام بخش قلب های مجروح است. او خود به راستی حامی مظلومان باشد و از اصول اساسی و مهم زندگی اجتماعی می سراید، پروین طرفدار برقراری عدالت اجتماعی است و از حقوق مردم و خاصه ضعیفان دفاع می کند. از بی وفایی روزگار شکوه دارد و آگاه است که مرگ در نزدیکی هر

کسی کمین کرده تأسف از آن می‌خود که چرا انسان روی بسوی گناه می‌آورد. به مصداق آیه قرآن که می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ إِنَّ زَلْزَلَةَ السَّاعَةِ شَيْءٌ عَظِيمٌ (سج-۱)

ای مردم تقوای الهی را در پیش بگیرد بدرستی که لحظه قیامت حادثه‌ای بزرگی است و در جای دیگر قرآن می‌گوید السَّاعَةُ آتِيهِ قِيَامَتٌ خَوَاهِدُ آتَد. چنانچه مردم مرگ را می‌بینند چرا در پی گناه و ظلم و ستم می‌روند و حالات خود را فراموش می‌کنند. شعر پروین بیان کننده بی‌ارزشی عمر و دنیای فعلی است و چقدر غافل هستند آن افرادی که عمر را در جهت بطالت می‌گذرانند. در فوت پدر که شعری سروده است و بر روی سنگ خود که می‌سراید حاکی از آن است حتی الفاظ گوهر بار و چرخ ادب در این جهان بی وفا جایگاهی ندارد.

اینکه خاک سیهش بالین است

اختر چرخ ادب پروین است

نوآوری و اندیشه‌ی پروین از قدرت ادبی او حکایت می‌کند. این بانوی ارزنده از اشیاء بی‌جان پدیده‌های حیات و جاندار می‌سازد و در اشیاء روح می‌دمد، این شاعره‌ی بزرگ از شاعران قرن پنجم و ششم به ویژه ناصر خسرو پیروی کرده است و ناصر خسرو یک شاعر آزاده دارای قدرت پیام می‌باشد و پروین عاشقانه از آزادگی و آزاد منشی حمایت می‌کند، در فن شعری و موازین عروض و قافیه محتوای انسانیت را بیان می‌کند. هستند شاعران وزین و فرهیخته که هم در قدرت عروض و قافیه و قوافی شعری تسلط دارند و هم پیام هدایتی قدرتمندی در شعر خود دارند مانند نظامی - مولوی - سعدی - حافظ و دوران اخیر شاعرانی چون بهار - ایرج میرزا و غیره با این وجود پروین یک زیبایی خاصی به اشعار خود در کنار این امور بخشیده و آن ظلم ستیزی و رنج طبقه‌ی محروم جامعه است.

تابه کی جان کندن اندر آفتاب ای رنجبر
ریختن از بهره نان از چهره آب ای رنجبر
از حقوق پایمال خویشتن کن پرسش
چند می ترسی زهر خان و جناب ای رنجبر
دیو آرزو خود پرستی را بگیر و حبس کن

تا شود چهره حقیقت بی حجاب این رنجبر

از ویژگیهای شعر پروین بهره بردن از سبک خراسانی و شاعران سبک عراقی است در واقع پروین تلفیقی از دو سبک خراسانی و عراقی را در اشعار خود دارد و در سبک خراسانی بویژه از ناصر خسرو در قالب شعری استفاده نموده در مورد تمثیل های شعری پروین را می توانیم تأثیر پذیر از مولوی بدانیم ضمن آنکه در اخلاقیات و پندهای اخلاقی گویا از سعدی متأثر بوده.

پیرامون نگرش اجتماعی و ظلمی که در جامعه از سوی اندکی بر کثیری اعمال می گردد. در لابلای اشعار بمناسبت های متفاوت به چشم می خورد. از اینکه کودکی روی رفتن به نزد استاد را ندارد تا فاصله های طبقاتی اجتماعی.

کودکی کوزه ای شکست و گریست

که مرا پای خانه رفتن نیست

چه کنم اوستاد اگر پرسد

کوزه آب در دست از من نیست

زین شکسته شدن دلم بشکست

کار ایام جز شکستن نیست.

نقش پروین مانند یک معلمی آگاه و دلسوز و مربی اندیشمندی است که به دردها آشناست و جهت درمان می کوشد، اندیشه و احساس در مضامین شعری او کاملاً آشکار است، او می سراید و از نیازهای

انسان برای رسیدن به سعادت و آرامش می گوید و عامل کامروایی را علم و آگاهی می داند.

چه زن، چه مرد کسی شد بزرگ و کامروا

که داشت میوه‌ای از باغ علم در دامان

بطور کلی پروین دارای تهذیب نفس و کرامت خاص یک بانوی فرهیخته در گفتار و عمل است، پروین به تعلیم و تربیت و بلند مرتبگی روح و روان اهمیت می دهد، اساس هدایت را در همان دوران کودکی در آغوش مادر و پدر می داند و پرستار کودکان.

اگر فلاطین و سقراط بوده اند بزرگ

بزرگ بوده پرستار خردی ایشان

در کنار روزنه های تعلیم و تربیت که مراحل رشد و کمال انسان را در بر دارد، علم و آگاهی و آشنایی با موازین صداقت و عدالت که پایه های اخلاق را شکل می بخشد در اشعار پروین به چشم می خورد، لکن علم و دانشی که توأم با عمل باشد.

عالمی طعنه زد به نادانی

که به هر موی من صد هنرست

چون تویی را به نیم جو نخرند

مرد نادان ز چارپا بترست

اگر یک آگاه و عالم به علت علم و دانش خود گرفتار غرور و تکبر کاذب گردد از عمل به دور باشد، علم او ارزش ندارد چنانچه در مناظره عالم و نادان پاسخ به عالم مغرور نشان دهنده پیام پروین است.

گفت ما را سیر مناقشه نیست

این چه پرگویی و چه شور و شرست

فضل خود همچو مشک غمازست

علم خود همچو صبح پرده درست

گفته بی عمل چو باد هواست

ابره را محکمی ز آسترست

پروین به عمل و کردار در خدمت جامعه اعتقاد راسخ دارد و در تمامی اشعار خود از همت و تلاش و کوشش صحیح ستایش و تمجید می کند، اشعار او دارای نکات آموزنده و پنددهنده برای اقشار بخصوص نسل جوان است، اگر چه این بانوی فرهیخته عمر زیادی نداشت و قبل از رسیدن به چهل سالگی فوت کرد. (هنگام فوت، پروین سی و پنج سال داشت) لکن خود اهل دانش و آگاهی و عمل و تلاش بود و او چون مردان بزرگ و مقام دارای استقامت و صبر در برابر ناملایمات بود و در مناظرات اشعار خود حتی از زبان جوبات ناملایمات اجتماعی بر می شمارد و دعوت به صبر و شکیبایی در برابر حوادث می کند.

عدسی وقت پختن از ماشی

روی پیچید و گفت این چه کیست

ماش خندید و گفت غره مشو

ز آنکه چون من فزون و چون تو یکیست

گر که طاووس یا که گنجشکی

عاقبت رمز دمی و قفسیست

بطور کلی پروین شاعره اخلاق، پند، آگاهی، پاکی و پاکدامنی و الگوی آزادی و آزادگی در بستر عواطف و احساس و سمبل بانوان ایران زمین است، یک بانوی ایرانی و افتخار آفرین ادب و فرهنگ ایران. سخن از پروین اعتصامی، سخن از مهر و عاطفه، دریایی از صفا و محبت، اسطوره‌ی تربیت و اخلاق حسنه، روح بلند فضیلت و

لطافت سرشت مادی، اسوه‌ی عمل و کوشش، ندای آگاهی و تقوا، به دور از هرگونه ریا، پاکی کلام پروین و صداقت و شیرینی اشعارش از یک سو و زیبایی روح حاکم در اشعار و سخنش از سوی دیگر، هر خواننده‌ای را مجذوب می‌کند. در پهنه‌ی بیکران ادب فارسی ستارگان بی‌شماری از شعر و ادب و فصاحت و شیوایی کلام وجود دارند، ولی لطف کلام پروین چیز دیگری است. هر کدام از بزرگان علم و ادب ایران زمین و ستارگان درخشان ادبیات فارسی جلوه‌ی خاص خود را داشته و دارند، ولی پروین اعتصامی، این بانوی تقوا و عاطفه، ندای بیداری و سازندگی را در کلام فطرت خداگرایی آدم با زیابطلبی و زیادوستی در خلقت و سرشت انسان آمیخته و آدمی را به سوی عدالت و انسانیت دعوت می‌کند. پروین پیام خود را پیامبرگونه به گوش جهانیان رسانیده است. او شاعره‌ای روشن ضمیر و صادق با تمامی عواطف انسانی و ملکوتی بود. اشعار او در مضمون‌های مختلف جلوه‌گری می‌کند، سخن از مبارزه با ظلم و ستمکار می‌گوید، از روح پاک مادری و تعلیم و تربیت اخلاقی می‌گوید، او مسائل اجتماعی و سیاسی را می‌سراید، از فقیر و غنی و فاصله‌ی ناعادلانه می‌گوید. اشعار پروین شیوایی خاص خود را دارد زیبایی شعرهایش تا کهکشانشان پرکشیده و سخنی از دردمندی و پیامبری است. واقعیت‌های موجود را ترسیم می‌کند و از دل سخن می‌گوید.

دیو آرزو خودپرستی را بگیر و حبس کن

تا شود چهره حقیقت بی‌حجاب ای رنجبر

حاکم شرعی که بهر رشوه فتوا می‌دهد

کی دهد عرض فقیران را جواب ای رنجبر

آن که خود را پاک می‌داند زهر آلودگی

می‌کند مردار خواری چون غرابای رنجبر^۱

پروین ستاره‌ی ادب فارسی، جوهر، سخنور و گوهر چرخ ادب است. از اوان خردسالی با علم و ادب آشنا بود. طبع لطیف و روح پاک و معصومانه‌ی پروین جلوه‌گری می‌کرد. سخن حق را می‌شنید و در برابر حق خاضع و خاشع بود. از مکتب پدر، ادیب و با فرهنگ خود بهره‌جست، علاقه‌ی زیادی به پدر داشت و فوت پدرش باعث شد غم و اندوه فراوانی بر قلب و روحش بنشیند. مرگ پدر، پروین را آزرده خاطر کرد، که این اندوه را در شعر زیبایش به نام تعزیت پدر نشان داده است.

پدر آن تیشه که بر خاک تو زد دست اجل

تیشه‌ای بود که شد باعث ویرانی من

یوسف نام نهادند و به گرگت دادند

مرگ گرگ تو شد ای یوسف کنعانی من

گل و ریحان کدامین چمن تنمودند

که شکستی قفس ای مرغ گلستانی من

من که قدر گهر پاک تو می‌دانستم

ز چه مفقود شدی از گهر کانی من

من که آب تو ز سر چشمه‌ی دل می‌دادم

آب و رنگت چه شد ای لاله‌ی نعمانی من

^۱ دیوان پروین اعتصامی - ای رنجبر - ص ۱۲۷.

اشعار پروین در همه ابعاد زیباست. در دوران نوجوانی زمزمه‌های عاشقانه و شاعرانه‌ی او دوستان و اطرافیانش را تحت تأثیر قرار می‌داد و تحسین آنان را بر میانگیخت. او در مکتب پدر بزرگوارش آقای یوسف اعتصامی (معروف به اعتصام الملک) درس آزادگی و عشق و حقیقت و فصاحت آموخت و یاد گرفت که چگونه غم خوار بیچارگان و یاور درماندگان باشد. پروین در برابر انحرافات و کژی‌ها و اکنش نشان می‌داد و منحرف و ستمکار را رسوا می‌ساخت و از روح پاک انسانی و خداداد سخن می‌گفت. خط سیری هدف دار و روشن در تمامی اشعار پروین دیده می‌شود. می‌داند چه بگوید و چه بسراید، قدرت خلاقیت و ابتکار او بسیار بالاست و کلمات در آهنگ و رقص خاص خود زیبایی خارق‌العاده‌ای دارد. او بار دیگر اشعار قدیمی و سنتی شاعران قبل از خود را زنده کرد و روحی تازه در شعر سبک قدیم دمید تا زیبایی و برتری آن را نشان دهد. اگر چه همه‌ی اشعار پروین اعتصامی زیبا و از جایگاهی خاص برخوردار است، صادقانه باید گفت که شعر لطف حق یا داستان مادر موسی اعجاب آور است. پروین علی‌رغم اینکه ادعای مذهبی بودن نمی‌کند، به زیبایی و با تسلط بسیار و زبانی ساده ابعاد توحیدی را در محور توحید افعالی و توحید نظری در بیت‌های این شعر بیان می‌دارد:

نسبت نسیان به ذات حق مده

بار کفر است این به دوش خود منه

به که برگردی به ما بسپاری اش

کی قوا ما دوستتر می‌داری اش

نقش هستی نقشی از ایوان ماست

خاک و باد و آب سرگردان ماست

قطره‌های کنه جویباری می‌رود

از پی انجام کاری می‌رود.

پیام پیامبران آسمانی و سخن اولیای الهی که هدف‌داری نظام آفرینش را نشان می‌دهد، در همین بیت پروین نهفته است که می‌گوید:

قطره‌های کنه جویباری می‌رود

از پی انجام کاری می‌رود.

این شعر به سبک قرآنی بیان شده است، یعنی از داستانی به داستان دیگر و از ماجرای به ماجرای دیگر می‌پردازد، ولی در هر کدام یک نتیجه‌گیری اخلاقی می‌کند. از داستان حضرت موسی به داستان نمرود می‌رود و دوباره به داستان حضرت موسی بر می‌گردد. به سوره بقره دقت کنید؛ از داستان خلقت آدم و حوا به داستان حضرت ابراهیم (ع) و سپس به داستان حضرت موسی و باز به داستان حضرت آدم می‌پردازد و نتیجه‌گیری‌های اخلاقی و مهم می‌کند. پروین در هریک از اشعار خود با یک یا چند نتیجه‌گیری اخلاقی، آدمی را به تکامل دعوت می‌کند. زن به علت نظام آفرینش و دستگاه خلقت وجودی‌اش از امتیازات عاطفی و مهر مادری برخوردار است و همین امر او را از خودخواهی‌ها و توجه به خویشتن به دیگرخواهی سوق می‌دهد. در همه‌ی زنان احساس مادری و روحیه برتر عاطفی به صورت تکوینی وجود دارد و پروین اعتصامی بسیار زیبا توانسته است این بعد ارزنده را به نمایش بگذارد و در سراسر اشعارش این پیام بی‌نظیر را برساند. استعداد و نبوغ پروین خود مقوله‌ای دیگر است و باید آن را خداداد دانست. از دیگر صفات پروین اعتصامی ژرف‌اندیشی بود و به زوایای مختلف مسئله دقت می‌کرد. به قول مولوی، دیده‌ی دریانگر داشت و نگاهش بر کف‌های دریا نبود و سطحی نمی‌نگریست.

چشم دریا دیگرست و کف دگر کف بهل و ز دیده‌ی دریا نگر جنبش کفها ز دریا روز و شب کف همی بینی و دریا فی عجب

پروین اعتصامی خودنمایی نمی کرد و به نقل از دوستان و نزدیکانش در مراحل زندگی صبور و متواضع بود. او چون صدفی است که گوهر را در درون خود پرورش می دهد و دم فرو می بندد و خودستایی نمی کند. سخنان پروین نغز و پرمغز است و اشعارش دلها را تسخیر می کند. پروین اعتصامی عمر کوتاهی داشت و هرگز به دنبال تنعمات دنیوی و هوا و هوس نرفت و پیوسته مسیر کمال را طی کرد. روحش شاد باد.

از سرکار خانم سهیلا قاسمی دانشجوی فوق لیسانس ادبیات بعثت همکاری و مساعدت پیرامون مطالب پروین و مکتب رمانتیسیم قدردانی و سپاسگزاری می نمایم.

در خاتمه از همت و زحمات انتشارات آفرینش به مدیریت جناب فتحی و زحمات خانم قاری قرآن و خانم اعظم فدوی کمال تشکر و قدردانی می گردد.

آرزوی توفیق در اشاعه‌ی فرهنگ و ادب در اهداف این عزیزان را دارم.

سید محمد برهانی

سیری در اندیشه پروین

بانوی فرهیخته و فرزانه ادب فارسی پروین اعتصامی در روز بیست و پنج اسفند سال ۱۲۸۵ ه.ش در تبریز متولد گردید، لکن قضا و قدر الهی در سرنوشت او چنین رقم زد که از همان دوران کودکی همراه با خانواده خود راهی تهران گردید، او همراه با پدر فرزانه خود مرحوم یوسف اعتصامی که به اعتصام‌الملک شهرت داشت با سفر از تبریز به تهران وارد مرحله دیگری از زندگی خود می‌گردد، در مکتب پدر با ادب و ادبیات زیباییهای لطیف شعر و هنر آشنا می‌گردد. اعتصام‌الملک خود انسان ادیب و ادب پرور است او آشنایی بسیاری با علم و ادب و فرهنگ ایران و ادبیات فرانسه داشت به زبان و ادبیات فارسی و عربی تسلط داشته و پروین در مکتب این پدر بزرگوار با ادبیات ایران و زبان عربی آشنا می‌گردد. یک نگرش خاص در بستر هدفداری نظام آفرینش از همان آغاز دوران نوجوانی در اندیشه پروین حاکم می‌گردد، و این نگرش بعدها در اشعارش به زیبایی ترسیم می‌شود، پروین سخن از جهان بینی توحیدی و هدفمندی جهان هستی می‌گوید و به نقش هستی اشاره می‌کند و نظام خلقت را در کنار عاطفه و احساس یک زن و مادر از یک طرف و مسئولیت اجتماعی از سوی دیگر مطرح می‌سازد، پروین به دور از هرگونه ادعای دین و عرفان و خداگرایی و غیره به خوبی و زیبایی نشان می‌دهد که در آغوش خدا قرار دارد و برخوردار از روحیه پاک و عارفانه و صادقانه است، روحی با فطرت پاک الهی اوست، او در تمامی ذرات این جهان هستی هدف و انگیزه می‌بیند و برای هر پدیده و ذره‌ای از عناصر

جهان هستی استعداد و حیات هدفمندانه در سوی خالق یکتا را ترسیم می‌کند.

قطره‌های کز جویباری می‌رود

در پی انجام کاری می‌رود

در شعر زیبای لطف حق سخن از ابعاد توحیدی و ارکان آن در توحید نظری و افعالی می‌گوید فعل و اراده خالق یکتا که حاکمیت در سراسر جهان هستی دارد و همه چیز از اوست و به سوی اوست بیانگر اراده مطلق پروردگار در نظام آفرینش است.

نقش هستی‌نقشی از ایوان ماست

خاک و باد و آب سرگردان ماست

این پیام تمامی اولیاء الهی است که همه عناصر جهان آفرینش را تسلیم امر الهی بدانند و حتی یک قطره‌ای که در جویباری روان است بدون هدف نیست و در این رابطه سخن از حضور خالق و عرفان در نزد عارفان ما حضوری چشمگیر دارد چنانچه مولانا جلال‌الدین بلخی آن عارف بزرگ قرن هفتم اشاره به ذکر و تسبیح و هدفمندی تمامی ذرات جهان هستی می‌کند و به مصداق آیه:

(سوره جمعه - ۱)

يَسْبِغُ لِّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ

با زیبایی خاص خود در مثنوی معنوی می‌سراید:

جمله ذرات عالم در نهان

با تومی‌گویند روزان و شبان

ما سمیعیم و بصیریم و خوشیم

باشمانا محرمان ما خاموشیم

تمامی ذرات این جهان هستی در انجام وظیفه و تقدیر خود هستند و در گردون بالا در وظیفه و تسبیح و حیات هستند، یک دیوار اگر چه جماد است لکن با حفظ سقف و گردون بالا در وظیفه و

تسبیح خود می باشد هر ذره ای و هر قطره در راستای وصل به حق و ارتباط خالق با جهان در مسیر روشن و منظم می باشند، در همان شعر لطف حق پروین می گوید.

ما گرفتیم آنچه را انداختی

دست حق را دیدی و نشناختی

در تو تنها عشق و مهر مادر است

شیوه ی ما عدل و بنده پروری است

نیست بازی کار حق خود را مباد

آنچه از تو بردیم باز آریم باز

به مادر حضرت موسی وحی می رسد از سوی خداوند یکتا که اگر تو کودک خود را در آب نیل انداختی این طغیان رودخانه و آب در مسیر بندگی و تسبیح ما در حرکت است و عشق خالق به بنده ای که از عشق مادر به فرزند بالاتر و پاکتر است. در تمامی ادبیات جهان پاکترین و عمیق ترین عشق در جهان هستی عشق مادر به فرزند است و بالاتر از آن عشق خالق یکتا به بنده اش می باشد. پروین اعتصامی اولین زمزمه های عشق را در محیط خانواده از مادر و پدر خود فرا گرفت و بخصوص از پدرش بسیار بهره برد و خود را مدیون پدر در آشنایی با ادبیات و انس با شعر می داند. او علاقه بسیاری به پدرش داشت و با مرگ پدر او تکیه گاه محکمی را در زندگی از دست داد و تحمل مرگ پدر برای او بسیار مشکل بود عشق پروین به پدرش ترسیم او یک عاطفه زیبا و احساسات دختر به پدر و شاگرد به استاد و مرید به مراد است که هر سه محور در وجود پروین و ارتباط او با پدرش معنی می دهد. اگر چه اشعار پروین سرشار از احساسات و عشق و مهر مادر است و در پاره ای از اشعار خود خاصه در قطعات از زبان منظره مباحث عاطفی و اجتماعی و هنری را به خوبی و زیبایی مطرح می سازد. زندگی کوتاه پروین سرشار از احساسات و عشق و مهر

مادریست و در پاره‌ای از اشعار خود خاصه در قطعات از زبان مناظره مباحث عاطفی و اجتماعی و هنری را به خوبی و زیبایی مطرح می‌سازد. زندگی کوتاه پروین فراز و نشیب‌های خاص خود را دارد. او در سال ۱۳۱۳ ه. ش با پسر عموی پدری که یک افسر ارتش بود ازدواج می‌کند لکن این ازدواج تصویر خوشایندی نداشت و بیش از چهار ماه طول نکشید. پروین در یک فضای دیگری بود. این فضا بالاتر از درک شوهر او بوده و زبان احساس و عاطفه پروین را شوهر او درک نمی‌کرد، برای این بانوی گرامی و شاعره، ارزشمند و فرزانه همین مدت کوتاه یادآور دوران تلخی زندگی اوست.

ای گل تو جمعیت گلزار چه دیدی

جز سرزنش و بدسری خار چه دیدی

ای لعل دل افروز تو با این همه پرتو

جز مشتری سفله به بازار چه دیدی

رفتی به چمن دل افروز تو با این همه پرتو

غیر از قفس ای مرغ گرفتار چه دیدی

پروین از دوران نابسامانی و تلخی‌ها می‌گوید لکن وجود مردی ادیب پرور و بزرگواری چون پدرش یوسف اعتصامی تکیه گاه محکم و آرامش‌بخش برای او بود پروین در کنار پدر مراحل رشد و کمال را آنچنان ادامه می‌داد و از زیبایی‌های احساس و عاطفه می‌سرود و در جلسات و نشست‌های ادبی که از سوی پدرش برقرار می‌شد شرکت می‌کرد لکن قضا و قدر الهی چیز دیگری می‌خواست و تقدیر صفحه دیگری را ورق زد. پروین به علت وابستگی فراوان به پدر خود مرگ او در روحیه‌اش بسیار اثر می‌گذارد.

در تعزیه و سوگواری پدرش پروین این قطعه زیبا را می‌سراید.

پدر آن تیشه که بر خاک توزد دست اجل
 تیشه بود که شد باعث ویرانی من
 یوسف نام نهادند و به گرگت دادند
 مرگ گرگ تو شد ای یوسف کنعانی من
 از ندانستن من دزد قضا آگه بود
 چون تورا برد بخندید به نادانی من
 ماه گردون ادب بودی و در خاک شدی
 خاک زندان تو گشت ای مه زندانی من
 هر بیتی از این اشعار بیانگر اوج تنهایی و اندوه پروین است تا
 آنجا که در بیت آخر می گوید:

کنج خود خواندیم و رفتی و بگذاشتیم

عجب بعد تو با کیست نگهبانی من
 پروین می گوید نگهبان و حافظ خود را از دست داده ام زیرا که
 پدرش یک نوع کرامت و استعداد پاک و درخشانی را در وجود دختر
 خود دیده بود و در حفظ و پرورش آن همت گماشت و این حرکت
 او مورد ستایش پروین و قدردانی او قرار گرفته بود و پیوسته خود را
 در رشد و کمال در مکتب پدر می دید.

پرتو عاطفه و بیان زوایای اخلاقی و هنری در شعر پروین زبانزد
 عام و خاص است او را یک بانوی صاحب نظر در ادب و هنر شعر
 می شمارند، این شاعره فرزانه دارای قدرت خلاقیت و آفرینندگی در
 مناظره و بیان احساس و درد است، در حقیقت خود او یک دردمند
 فرزانه است، هنگامی که از زبان طبیعت و حیوانات و جمادات و غیره
 می سراید و می گوید یک نوع هدفمندی و رهایی از تعلقات دنیوی را
 بازگویی دارد.

ای دل‌عبت‌مخور غم دنیا را
فکرت مکن نیامده فردا را
گنج قفس چونیک بیندیشی

چون گلشن است مرغ شکیبا را

پروین به سبک سعدی شیراز در گلستان و بوستان یک سری مباحث پند و اندرز را در قالب امور اجتماعی و اخلاقی بیان می‌کند لکن کفه عاطفه و احساس در اشعار پروین سنگین تر است. همان‌طور که راز جاودانگی هر اندیشمندی نوع بیان و تلقی احساس و پیام اوست خواه به صورت نثر و یا نظم باشد اندیشه پروین که نشان دهنده روح پاک و زیبایی او در جهان هستی است در اشعار دیوان این شاعره ارجمند و گرامی هویدا است بدون شک و تردید راز ماندگاری اشعار پروین که روبروز ارزش آن بیشتر آشکار می‌گردد قدرت پیام رسانی او در بستر هدایت و حاکمیت اخلاق است. او یک بانوی مسئول است و در جهت زیبایی‌های عدالت در جامعه پیام می‌دهد و ارزشهای حاکمیت عدالت را در برابر ظلم بیان می‌کند از زبان گوهر و سنگ می‌سراید.

شنید ستم که اندر معدنی تنگ

سخن گفتند با هم گوهر و سنگ

اگر عدل است کار چرخ گردان

چرا من سنگم و تو لعل رخشان

تر ابر افسر شاهان نشانند

مرا هرگز نپرسند و ندانند

به نرمی گفت او را گوهر ناب

جوانی خویشتر از در خوشاب

بسی پاکان شدند آسوده دامن

بسی بر دیگران را سوخت خرمن

پروین در شعر زیبای گوهر و سنگ مطالب بسیار ارزنده از ارزشها را بیان می کند چرا که وجود گوهر و ارزشهای جاودانه می ماند و چه بسا افرادی که مدعی هستند ولی آلوده دامن هستند و تا پایان عمر نمی توانند خود را حفظ نمایند تاریخ نشان می دهد بسیار افرادی که سخن از عدالت و حق طلبی و غیره می کنند ولی آنجا که باید امتحان خود پس داده و استواری خود را ثابت نمایند متزلزل می شوند و پروین در لابلای اشعار پر محتوای خود از بی عدالتی ها سخن می گوید و از رنج و سختی هایی که انسان در کشاکش زندگی با آن روبرو می گردد.

کارمده نفس تبه کار را

بنده مشو در هم و دینار را

چرخ و زمین بنده تدبیر توست

در صف گل جامده این خار را

پروین دعوت می کند که آدمی آزاد مرد باشد و آزادی خواه و تسلیم هوای نفس نگردد اگر انسان بنده شهوات و هواهای نفسانی گردد از حق و عدالت دور می گردد و به بستر ظلم و ستم می افتد پیام پروین عدالت طلبی است و حاکمیت موازین اخلاقی تا پایان عمر مرحوم دکتر عبدالحسین زرین کوب که در فرزاندگی و دقت تحقیق و قلم زیبای اودوست و دشمن به ستایش برخاسته اند پیرامون پروین اعتصامی می گوید:

«درباره شیوهی شاعری و قالب فکری و بیانی پروین این اندازه می توان گفت که نشان اصالت در آن همه جا پیداست. تنوع قالب ها مضمون های ما خود از حیات هر؟ و شیوه مناظره پردازی بین اشیای بی جان که مختصات عمده ی شعر او را رنگ تازه ای می دهد و این

همه در کلام او از جوش فکر و از تازگی و اصالت راستین حاکی است.^۲

بله به راستی باید گفت که پروین نشان اصالت در همه جا پیدا کرده است او بانویی است که با مهر و محبت و عاطفه با همه انسانها در هر سن و سالی و قشری از جامعه سخن می گوید، او با مردم است و از دردهای مردمی و رویدادهای اجتماعی می گوید او غم خوار انسانها بوده و راه رسیدن به آرامش را بی عدالتی های حاکمین و غافلین می داند او بر این عقیده است که با مرگ همه چیز پایان نمی پذیرد و حساب و کتاب دیگری در کار است و براساس آیه مبارکه انا لله و انا الیه راجعون همه ما از خدا هستیم و به سوی او باز می گردیم از دیدگاه پروین جهان هستی دارای سلسله منطقی و منظم علت و معلول در راستای حاکمیت خداوند است و او قضاوت نهایی را خواهد کرد، زندگی آدمی محدود به همین زندگی چند روز دنیوی نخواهد بود، بلکه انسان حیاتی نامحدود داشته و مرگ مرحله ایست برای گذر از این جهان به جهان آخرت و جقدر زیبا در شعر خود می گوید:

رهایت باید، رها کن جهان را
نگهدار ز آلودگی پاک جان را
بسر بر شو این گنبد آبگون را
بهم بشکن این طبل خالی میان را
چه آسان بدامت در افکند گیتی
چه ارزان گرفت از تو عمر گران را

^۲ حکیم بانوی شعر فارسی - دکتر زرین کوب - ص ۸۲

به بوستان جان تا گلی هست پروین

تو خود باغبانی کن این بوستان را

پروین تأسف برای افرادی می خورد که عمر گرامی و عزیز خود را به باطل می گذرانند و ارزان می فروشند، یک انسان آگاه و فرزانه که از قدرت درک و شعور مناسب برخوردار باشد ارزشهای زمان و عمر خود را می داند و در جهت رشد و کمال خود گام بر می دارد تا اینکه در خدمت خود و جامعه خود در آید.

گوهر وقت بدین خیرگی از دست مده

آخر این در گرانمایه بهایی دارد

راهی که پروین در زندگی خود در پیش گرفته و آدمیان را دعوت به آن می کند راه یکدم و یک لحظه نیست بلکه او در قالب نظر می خواهد محیط و جامعه خود را به آرامش منطقی و آسودگی فکر و اندیشه برساند و پیام خود را از طریق اشعارش می دهد و اینکه از حسادت ها و حرص و ولع دوری کرده و مسئولیت پذیر باشیم، در راه خدمت به یکدیگر اندیشه کنیم و راه و روش پروین در سرودن اشعارش و بیان پیامش براساس یک راه منطقی و زیباست در حقیقت قصائد پروین مانند ای دل عبث مخور غم دنیا را و یا مانند کار مده نفس تبه کار را و الی آخر سخن و پیام پروین به صورتی است که دردمندانه با انسان سخن می گوید و نگران این است که آدمی ارزش های عمر خود را نداند و این گوهر فرزانه را به بیهوده تلف نماید لذا انسان را دعوت به آگاهی و برخوردار از روحیه جوانمردی می سازد.

در قطعات خود پروین بیشتر از طریق مناظره و سؤال و جواب اهداف هدایت خود را به منصه ظهور می رساند و انسان را دعوت به رشد و کمال می سازد، این روش سؤال و جواب و مناظره در ادبیات کهن ما جایگاه خاصی داشته و «گویا این شیوه از قدیم الایام خاص ادبیات شمال و غرب ایران بوده و در آثار پهلوی قبل از اسلام هم

مناظرات دیده شده و در میان شعرای اسلامی نیز بیشتر مناظرات نظم و نثر از نظامی گنجوی تا خواجهی کرمانی گواه این معنی است.^۲

پروین بر بسیاری از اشعار شعرای قبل از خود اشراف داشته و در جلسات ادبی در نزد پدر ادیب خود و با راهنمایی‌های او با ادبیات کهن آشنایی داشت از سبک و روش ناصر خسرو و در اشعار تمثیلات و قصائد خود بهره برده است.

از اشعار سنایی و بیان عارفانه او در اشعارش بنحوی بهره‌برده و از سعدی و حافظ و زیبایی‌های غزلیات و اشعار این بزرگان نیز سود جسته بهر حال این پروین است که خود با روش خاص خود پای می‌گذارد جای پای بزرگان ادب فارسی در شعر و نظم و اگرچه یک زن و یک بانو است لکن بامردان بزرگ به رقابت بر می‌خیزد. اگر انسان وارد قصائد یا قطعات و یا تمثیلات زیبای پروین گردد خود را در یک فضای بسیار گسترده و جالبی خواهد دید که گویا در یک دانشگاه علم و اخلاق قرار گرفته و از آموزش‌ها و تعلیمات گوهر بار اخلاقی برخوردار می‌گردد، فضایی که پشتوانه صحیح معرفتی دارد. او یک بانوی مسلمان موحد است و نگاه او جنبه عرفان و اخلاق به امور روزمره دارد، اشعار او خاصه قطعات این بانوی گرامی روح بلند مرتبه او را نشان می‌دهد و سخن از مهر و عاطفه مادری و لطافت روح خود را داشته و یک مسیر درخشان را جهت حفظ ارشها و قدردانی از مادر و زن در نظام آفرینش نشان می‌دهد، از زبان پرندگان و طیور، از زبان مادران تنگدست و فقیر از زبان مظلومین و یک مادر دلسوز و مهربان پیام می‌دهد، در همان اشعار لطف حق از نگرانی‌های مادر

^۲ دیوان پروین اعتصامی - ناشر ابوالفضل اعتصامی - دیباچه اول